

ایران، عربستان و سازمان همکاری اسلامی: مشکلات و راهکارها

عباس یزدانی - کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

اسلامی، اشغال فلسطین و ستمهای رواداشته شده به فلسطینیان بوده است. پس از اشغال قدس از سوی نیروهای رژیم صهیونیستی و به آتش کشیده شدن مسجدالاقصی در ۱۹۶۹، سران ۲۶ کشور اسلامی در ۲۵ سپتامبر آن سال در رباط پایتخت مراکش، گرد آمدند.^۱ مهمترین تصمیم این نشست تشکیل یک نهاد بین‌المللی از سوی کشورهای اسلامی با عنوان «سازمان کنفرانس اسلامی» بود که بعدها نام «سازمان همکاری اسلامی» به خود گرفت. نخستین نشست وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی یک سال بعد یعنی در ۱۹۷۰ در جدّه برگزار و آن شهر مقر سازمان کنفرانس اسلامی در نظر گرفته شد. برپایه ماده ۲۱ اساسنامه سازمان، که چندی پس از آن آماده و تصویب شد، شهر جدّه تا آزاد شدن قدس مقر سازمان است و پس از آن، قدس مقر دائم سازمان خواهد بود.

بدین‌سان، رویارویی با اسرائیل و آزادسازی قدس برترین هدفهای سازمان بوده است. اما آیا امروزه نیز سازمان همکاری اسلامی در این راه پیش می‌رود و به آرمانها و هدفهای خود پایبند است؟ با نگاهی به رویدادها در دو سال گذشته و ایستارهای سازمان همکاری اسلامی به روشنی دریافته می‌شود که این سازمان از هدفهای اصلی از تأسیسش منحرف شده و حتا برخی ایستارهای آن با مفاد و روح منشور سازمان ناسازگار بوده است.

مصوبات و اسپین نشست سران کشورهای اسلامی این نکته را تأیید می‌کند. در ۲۷ فروردین ۱۳۹۵، در جریان نشست سران در استانبول، عربستان با همدستی شماری از کشورهای که خود از پشتیبانان مستقیم و غیرمستقیم تروریسم در منطقه‌اند، با فشار، تهدید و تطمیع و اجرای سنگین‌ترین لابیها، اعلامیه‌ای^۲ یکسره تفرقه‌افکنانه و ضد ایرانی صادر کردند. سازمانی که با هدف رویارویی با اشغال فلسطین و با آرزوی آزادسازی قدس پدید آمده،

در این نوشتار از زاویه‌ای دیگر به روابط و اختلافهای ایران و عربستان می‌نگریم. نخست چگونگی انحراف سازمان همکاری اسلامی از اصول و هدفهای اصلی خود، زیر فشار و هدایت عربستان بررسی می‌شود و سپس به رابطه ایران با این سازمان و لزوم دگرگون شدن رویکرد کشورمان در این زمینه می‌پردازیم و در پایان نیز راهکارهایی پیشنهاد می‌کنیم.

دیباچه

رویدادهای تازه در منطقه و جهان اسلام، از جمله جنگ داخلی در سوریه، آشوبها در افغانستان، تازش عربستان و همپیمانانش به یمن، پیدایش گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه، فعالیتهای تروریستی در لیبی و شمال آفریقا و پیچیده‌تر شدن مسأله فلسطین پرسشهایی درباره نقش و توانمندی سازمان همکاری اسلامی در حل و فصل و مدیریت این اختلافها و بحرانها پیش می‌کشد. آیا این سازمان توانسته است بعنوان یک نهاد بین‌المللی مستقل در مسیر اصول و هدفهای اصلی خود پیش رود؟ موفقیتها و دستاوردهای سازمان در این سالها چه بوده است؟ آیا سازمان توانسته است پاسخهایی بهنگام، مناسب و درخور به بحرانها در جهان اسلام بدهد؟ امروزه سازمان چه جایگاهی در سیاست خارجی ایران دارد؟ آیا جهت‌گیریهای سازمان و ایران در زمینه مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی همراستا، یا دست‌کم نزدیک است؟ هزینه‌ها و بهره‌های عضویت ایران در این سازمان چه بوده است؟

پیشینه

تشکیل سازمان همکاری اسلامی نشان می‌دهد که انگیزه اصلی ایجاد سازمانی دربرگیرنده کشورهای

● در ۲۷ فروردین ۱۳۹۵، در جریان نشست سران در استانبول، عربستان با همدستی شماری از کشورهای که خود از پشتیبانان مستقیم و غیرمستقیم تروریسم در منطقه‌اند، با فشار، تهدید و تطمیع و اجرای سنگین‌ترین لایحه‌ها، اعلامیه‌ای یکسره تفرقه‌افکنانه و ضدایرانی صادر کردند. سازمانی که با هدف رویارویی با اشغال فلسطین و با آرزوی آزادسازی قدس پدید آمده، اکنون پایگاهی شده است برای کوبیدن ایران.

نکته دیگر درباره اعلامیه یاد شده این است که در این اعلامیه تنها در سه بند (بندهای ۳، ۴ و ۵) مستقیم به موضوع فلسطین پرداخته شده و در هفت بند (بندها ۴ تا ۱۰) از اقدامات مبهم، نامشخص و تشریفاتی «کمیته القدس» تعریف و تمجید شده است. بدین سان، به نظر می‌رسد که مسأله فلسطین دیگر کانون توجه OIC نیست و جای خود را به «ایران» داده است؛ به گونه‌ای که چهار بند از این اعلامیه (بندهای ۳۰ تا ۳۳) دربرگیرنده انگها و ادعاهای بی‌پایه‌ای است چون «محکومیت دخالت ایران در امور داخلی دیگر کشورها از جمله سوریه، یمن، بحرین و سومالی و تداوم پشتیبانی از تروریسم»^۴، «ضرورت رعایت اصول حسن همجواری از سوی ایران»^۵، «محکومیت حمله به اماکن دیپلماتیک عربستان در ایران»^۶ و «مردود بودن موضع‌گیری ایران در برابر اعدام مرتکبان اقدامات تروریستی در عربستان»^۷.

همچنین در بند ۱۰۵ اعلامیه، حزب‌الله لبنان به اتهام «اقدامات تروریستی در سوریه، لبنان، کویت و یمن و نیز پشتیبانی از جنبشها و گروههای تروریستی که امنیت و ثبات کشورهای عضو سازمان را به خطر می‌اندازند» محکوم شده است. این درحالی است که در بند ۱۲ همین اعلامیه از گفتگو میان احزاب لبنانی استقبال شده است. واقعیت این است که حزب‌الله تنها نهادی است که یکسره در راستای هدفهای اصلی سازمان، یعنی دفاع از آرمان فلسطین مستقل و مبارزه با اشغالگریهای اسرائیل فعالیت می‌کند.

برای آگاهان از مسائل روابط بین‌الملل دشوار نیست که دریابند بندهای ضد ایرانی و ضد حزب‌الله در این اعلامیه، درست همان مواضع رسمی وزارت امور خارجه عربستان است. ایستارهای ضد ایرانی دبیرکل سازمان و اعلامیه یادشده به گونه‌ای است که گویی این نهاد بین‌المللی بخشی از وزارت امور

اکنون پایگاهی شده است برای کوبیدن ایران و نیز بزرگترین گروه مخالف اسرائیل، یعنی حزب‌الله.

اختلاف نظر ایران و سازمان همکاری اسلامی بر سر مسئله فلسطین

با بررسی موشکافانه و دقیق این اعلامیه، اختلاف نظر ژرف سازمان همکاری اسلامی و ایران در زمینه مسأله فلسطین آشکار می‌شود. در بند ۳ اعلامیه پایانی نشست سران کشورهای اسلامی (فروردین ۱۳۹۵ در استانبول) آمده است: «کنفرانس بر مرکزیت موضوع فلسطین و قدس شریف برای امت اسلامی تأکید می‌ورزد. کنفرانس بار دیگر بر حمایت اصولی خود از حق مردم فلسطین برای به دست آوردن حقوق لاینفک ملی خود، از جمله حق تعیین سرنوشت خود و تأسیس یک دولت مستقل و حاکم فلسطینی به پایتختی قدس شریف در سرزمینهایی که از سال ۱۹۶۷ اشغال شده است، تأکید می‌ورزد. همچنین مجدداً بر حق پناهندگان فلسطینی برای بازگشت به خانه‌های خود مطابق با حقوق بین‌الملل و قطعنامه (III) ۱۹۴ مصوب مجمع عمومی در ۱۹۴۸/۱۲/۱۱ تأکید می‌کند».

این بند بی‌کم‌وکاست در دیگر اسناد سازمان نیز تکرار شده است. از این بند می‌توان چنین برداشت کرد که سازمان همکاری اسلامی به گونه‌ی تلویحی موجودیت اسرائیل را بعنوان یک دولت مستقل پذیرفته و تنها خواستار برپا شدن دولت مستقل فلسطین در چارچوب مرزهای تعیین شده در موافقتنامه‌های پیشین است؛ درحالی که سیاست رسمی جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی از تشکیل دولت مستقل فلسطینی در سراسر سرزمینهای اشغالی است که بارها از سوی مقام معظم رهبری عنوان شده است. برای نمونه، ایشان در سخنرانی خود در سالگرد درگذشت امام خمینی (ره) فرمودند: «راه حل مسأله فلسطین، راه‌حلهای تحمیلی و دروغین نیست. تنها راه حل مسأله فلسطین این است که مردم واقعی فلسطین - نه مهاجران غاصب و اشغالگر - چه آنهایی که در داخل فلسطین ماندند، چه آنهایی که در بیرون فلسطین هستند، خود نظام حاکم بر کشورشان را تعیین کنند. اگر اتکا به آرای یک ملت از نظر مدعیان دموکراسی در دنیا حرف راستی است، ملت فلسطین هم یک ملت است و باید تصمیم بگیرد. رژیم غاصبی که امروز در سرزمین فلسطین بر سر کار است، هیچ حقی بر این سرزمین ندارد؛ یک رژیم جعلی، دروغین و ساخته دست قدرتهای ظالم است. بنابراین از مردم فلسطین نباید بخواهند این رژیم را به رسمیت بشناسند»^۸.

مردم فلسطین به منظور اعمال حق تعیین سرنوشت خود و تأسیس دولت حاکم خود در قدس شریف بعنوان پایتخت، و حراست از ویژگیهای تاریخی و اسلامی آن و همچنین اماکن مقدس داخل آن (بند ۸) برشمرده شده است. در همین ماده یکی دیگر از هدفهای مهم سازمان «تأمین و دفاع از منافع مشترک کشورهای عضو و هماهنگی و یکپارچه‌سازی تلاش اعضا در برابر چالشهایی که جهان اسلام به صورت خاص، و جامعه بین‌الملل به صورت عام با آن روبه‌رو است» (بند ۲) دانسته شده است. عربستان بعنوان یکی از بنیادگذاران سازمان و میزبان موقت سازمان می‌بایست بیشترین پایبندی را به اصول سازمان داشته باشد، درحالی‌که همه کوشش خود را بر منحرف کردن سازمان از هدفهایش متمرکز کرده است.

در ۱۱ فروردین ۱۳۹۴، شبکه ده تلویزیون اسرائیل از همکاری راهبردی آن رژیم با عربستان برای مبارزه با محور مقاومت خبر داد. «مئیرلیبتک» کارشناس امورخاورمیانه در گفت‌وگو با این شبکه گفت: «آشکار است که ما با عربستان مخالف ایران منافع استراتژیک داریم، زیرا ایران خطری راهبردی است. محور ایران، سوریه و حزب‌الله، بزرگترین مشکل برای اسرائیل است». همچنین «گای باخور» خاورشناس اسرائیلی نیز بر این باور است که کشورهای [باصطلاح میانه‌رو] عربی دیگر توجهی به موضوع فلسطین ندارند؛ زیرا در درگیری با ایران به رژیم اسرائیل نیاز دارند. او افزود: «اسرائیل برای اثرگذاری بر موضع غرب، از عربستان کمک می‌گیرد؛ این درحالی است که عربستان و همپیمانانش با اسرائیل همکاری محرمانه دارند». روزنامه **یدیعوت احرونوت** نوشت: «مسئولان سعودی در مصاحبه‌هایی که با آنان انجام گرفته است، تأکید کرده‌اند که با تل‌آویو ضد محور مقاومت سرنوشت مشترک دارند».^۱

در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۵ (ششم مه ۲۰۱۶) مؤسسه پژوهشهای خاور نزدیک، که سیطره لابی اسرائیلی بر آن معروف است، مناظره‌ای میان ترکی الفیصل، رئیس پیشین دستگاه اطلاعات عربستان و ژنرال یعقوب عمیدور، مشاور پیشین امنیت ملی اسرائیل برگزار کرد.^۲ اهمیت این رویداد در سخنانی که در آن مبادله شد نبود، بلکه این مناظره قطعه مهمی از پازل روند عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل بود. عربستان در دشمنی کور با ایران، سخت به همکاری استراتژیک با اسرائیل برای رویارویی با خطر مشترک یعنی «ایران» نیازمند است. چنین می‌نماید اسرائیل دیگر برای عربستان یک دشمن نیست یا دست‌کم دشمن درجه یک عربستان نیست.

در ۲۹ تیر ۱۳۹۵ (۱۹ ژوئیه ۲۰۱۶) انور عشقی،

● **عربستان در دشمنی کور با ایران، سخت به همکاری استراتژیک با اسرائیل برای رویارویی با خطر مشترک یعنی «ایران» نیازمند است. چنین می‌نماید اسرائیل دیگر برای عربستان یک دشمن نیست یا دست‌کم دشمن درجه یک عربستان نیست.**

خارج‌جه عربستان است.^۳ روشن است که جایگاه OIC تا حد یک تریبون تبلیغاتی افت کرده و عربستان بعنوان پشتیبان مالی سازمان، بسته تبلیغات ضد ایرانی خود را از آن پخش می‌کند.

انحراف سازمان از هدفهای اصلی خود در سایه نفوذ عربستان

برای درک بهتر روند تبدیل شدن سازمان همکاری اسلامی از یک نهاد کارای بین‌المللی به یک بازیچه در دست عربستان، نگاهی به مواضع این سازمان در نخستین سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌اندازیم. پیش از انقلاب، بویژه در سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۹، ایران فعالیت چندانی در چارچوب سازمان نداشت، اما پس از انقلاب این رابطه وارد مرحله‌ای تازه شد. هرچند انقلاب اسلامی با منافع دولتهای محافظه‌کار منطقه ناسازگار بود، اما چند سال نخست پس از انقلاب، سازمان رابطه مناسبی با ایران برقرار کرد. در ماجرای صحرای طبس، سازمان کنفرانس اسلامی در یازدهمین نشست وزیران امور خارجه در اسلام‌آباد (۲۲-۱۷ مه ۱۹۸۰) با صدور قطعنامه‌ای زیر عنوان «تجاوز آمریکا به جمهوری اسلامی ایران»^۴ ضمن پشتیبانی از ایران «تجاوز نظامی آمریکا به جمهوری اسلامی ایران را سخت محکوم» کرد. این کمترین اقدامی بود که از یک سازمان بین‌الدولی اسلامی در برابر تجاوز بیگانه به خاک یکی از اعضایش می‌شد انتظار داشت.

شوربختانه در این سالها سازمان همکاری اسلامی بویژه با هدایت دبیرکل عربستانی خود، سخت از اصول و هدفهای اصلی خود دور شده و به ابزار دست عربستان برای تحمیل خواستههای خود به اعضا و تأمین منافع خاندان سعودی تبدیل شده است.

اوج این انحراف، کاهش حساسیتها نسبت به موضوع قدس و تلاش برای به فراموشی سپردن مسأله فلسطین است. در این راه، تماس و گفت‌وگو با اسرائیل دیگر برای سران عربستان یک تابو نیست، بلکه موضوعی است عادی.

در ماده یکم منشور سازمان همکاری اسلامی، مهمترین هدفهای این سازمان «حمایت و توانمندسازی

همکاری اسلامی بعنوان یک نهاد بین‌المللی بسیار حساس و مهم است. اما برخورد منفعلانه و گاه جانبدارانه سازمان، زیر نفوذ و هدایت آشکار و پنهان عربستان با این مشکلات، نشانه ناکارآمدی آن است. سازمان همکاری اسلامی توان همخوان کردن خود با دگرگونی‌های بین‌المللی و پاسخگویی سریع و مناسب به انتظارات جهان اسلام را ندارد. این وضع، بازنگری در ساختار تصمیم‌گیری و نهادهای اجرایی سازمان را ضرور ساخته است.

۲- احترام به حق هر یک از کشورهای عضو در تعیین سرنوشت خود و عدم دخالت در امور داخلی و احترام به حاکمیت، استقلال و یکپارچگی سرزمینی آنها (ماده یکم، بند ۳)؛ همچنین بند ۳ از ماده ۲ منشور OIC تصریح می‌کند که همه کشورهای عضو باید اختلافهای خود را از راههای مسالمت‌آمیز حل و فصل کنند و از کاربرد زور یا تهدید به کاربرد زور بپرهیزند. بند ۴ از ماده ۲ منشور نیز تأکید می‌کند که «همه کشورهای عضو باید حاکمیت ملی، استقلال و یکپارچگی سرزمینی دیگر اعضا را محترم شمارند و از دخالت در امور داخلی دیگران پرهیز کنند». بند ۵ از ماده ۲ منشور OIC بر این نکته تأکید می‌ورزد که «همه کشورهای عضو باید به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی کمک کنند و چنانکه در منشور حاضر، منشور ملل متحد، حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه بین‌المللی تصریح شده است از دخالت در امور داخلی یکدیگر بپرهیزند».

یکی از ایستارهای نامناسب سازمان همکاری اسلامی، موضع آن در برابر رویدادها در سوریه و از آن بدتر در برابر حمله‌های غیرانسانی عربستان و همپیمانان آن به یمن بوده است. عربستان و همپیمانان منطقه‌ای آن با تجهیز و پشتیبانی مالی از گروههای مخالف دولت سوریه، آن کشور را درگیر جنگ داخلی بلندمدت کردند که برآیند آن کشته شدن هزاران تن و آوارگی میلیون‌ها تن دیگر و پا گرفتن یکی از خطرناکترین گروههای تروریستی،

ژنرال بازنشسته دستگاه اطلاعاتی عربستان در رأس هیأتی از شخصیت‌های دانشگاهی و بازرگانان عربستان به اسرائیل سفر کرد. روزنامه **رای‌الیوم** در این باره نوشت: «ریاض به سیاست بهبود روابط با تل‌آویو و حرکت در مسیر تبدیل آن به ائتلاف ادامه می‌دهد. این امر پس از تلاقی منافع آنها در سطح مواضع و گزینه‌های موجود در قبال چند پرونده در منطقه انجام می‌گیرد. در سایه این وضع، سفر هیأت بلندپایه عربستان متشکل از شخصیت‌های دانشگاهی و بازرگانان به ریاست انور عشقی ژنرال بازنشسته دستگاه اطلاعاتی عربستان صورت گرفت. انور عشقی کسی است که برای نزدیک کردن روابط عربستان و اسرائیل و پیشبرد آرام آن می‌کوشد».

پیش از آن هم چند دیدار میان انور عشقی و مقامات اسرائیلی برگزار شده بود، اما این نخستین دیداری بود که در اسرائیل صورت می‌گرفت. پیام سیاسی این دیدار برای منطقه و اسرائیل این است که عربستان با شتاب در راه برقراری روابط آشکار با اسرائیل پیش می‌رود و برای ارتقای این روابط به سطح ائتلاف در سایه تغییرات منطقه‌ای آمادگی دارد؛ و در این روند، اسرائیل ناگزیر از دادن امتیاز در زمینه گفتگوهای صلح با تشکیلات خودگردان فلسطین یا زمینه دیگری نیست.

بی‌گمان این موضوع نقض آشکار منشور سازمان همکاری اسلامی است. اما نقض اصول و هدفهای سازمان از سوی عربستان و شماری از همپیمانانش در منطقه، نه تنها خیانت به آرمان آزادی فلسطین است بلکه عربستان با رفتارهای خلاف عرف و قیام مآبانه در برابر سازمان همکاری اسلامی و کشورهای اسلامی تک‌تک اصول و هدفهای سازمان را نقض کرده و مایه انحراف سازمان از آن هدفها و ناکارآمدی کامل آن شده است.

با افکندن نگاهی به هدفهای اصلی از برپا شدن سازمان همکاری اسلامی، ابعاد بیشتری از انحرافهای عربستان از اصول سازمان و نیز ناکارآمدی سازمان در دفاع از اصول و آرمانهایش را بهتر درمی‌یابیم. مهمترین هدفهای سازمان در منشور آن چنین است:^{۱۲}

۱- ارتقا و تحکیم پیوندهای برادری و همبستگی میان کشورهای عضو (ماده یکم، بند ۱)؛
اختلافها، دشمنیها و درگیریها میان کشورهای اسلامی روبه افزایش است. اختلاف‌افکنی میان فرقه‌ها و مذاهب اسلامی چه شیعه و چه سنی از مسائل بسیار خطرناکی است که اگر به سراسر جهان اسلام گسترش یابد باید آنرا مصیبتی بزرگ برای مسلمانان دانست. در چنین وضعی نقش سازمان

● **نقض اصول و هدفهای سازمان همکاری اسلامی از سوی عربستان و شماری از همپیمانانش در منطقه، نه تنها خیانت به آرمان آزادی فلسطین است بلکه عربستان با رفتارهای خلاف عرف و قیام مآبانه در برابر سازمان همکاری اسلامی و کشورهای اسلامی تک‌تک اصول و هدفهای سازمان را نقض کرده و مایه انحراف سازمان از آن هدفها و ناکارآمدی کامل آن شده است.**

نگهبان جان و مال مردمان مسلمان یمن باشد، از کشتندگان آنان سپاسگزاری می‌کند!

بی‌توجهی سازمان همکاری اسلامی به استقلال، حاکمیت و یکپارچگی سرزمینی اعضای سازمان موضوع تازه‌ای نیست. سازمان در برابر حمله آمریکا به عراق نیز واکنشی شایسته نشان نداد و تنها به برگزاری یک نشست اضطراری بسنده کرد. حمله آمریکا هنگامی صورت گرفت که امیر قطر بعنوان رئیس دوره‌ای سازمان، خاک کشورش را میزبان ستاد فرماندهی نیروهای آمریکایی کرده بود.

در برابر بحرانا در دیگر مناطق مسلمان‌نشین همچون کشمیر، چین در روسیه، تیمور شرقی در اندونزی و میندانائو در فیلیپین و... نیز سازمان همکاری اسلامی بیشتر یک نظاره‌گر بوده است.

۳- در منشور سازمان، یکی دیگر از هدفها از تشکیل این سازمان، حمایت از برگشت کامل حاکمیت و یکپارچگی سرزمینی هر یک از اعضا که زیر اشغال بیگانه‌اند (ماده یکم، بند ۴) اعلام شده است. می‌توان گفت که کارکرد سازمان در این زمینه یکسره بی‌نتیجه بوده است. با گذشت بیش از ۴۵ سال از تأسیس سازمان، هنوز بخشهایی از سوریه، لبنان و سرزمین فلسطین زیر اشغال بیگانه است و سازمان جز صدور بیانیه‌هایی بی‌اثر و تکراری در این زمینه کاری نکرده است. با توجه به رویکرد ضد ایرانی سازمان و سایه سنگین عربستان و همپیمانانش بر دستگاه تصمیم‌گیری آن، چه بسا که شاهد اظهارنظرهای مغرضانه بیشتری در مورد کشورمان باشیم.

۴- تضمین مشارکت پویای کشورهای عضو در فرایندهای تصمیم‌گیری در جهان در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به منظور تأمین منافع مشترک آنها از دیگر هدفهای سازمان است (ماده یکم، بند ۵)؛ ایران که یکی از بزرگترین و پرجمعیت‌ترین کشورهای اسلامی است سالهای دراز با تحریمهای کمرشکن و نا عادلانه روبه‌رو بود و قدرتهای جهانی به بهانه‌های واهی همه تلاش خود را بر منزوی ساختن ایران متمرکز کرده بودند. در این سالها سازمان همکاری اسلامی برخلاف مفاد منشور، هیچ اقدامی برای از میان بردن یا کاهش این تحریمها و بیرون آوردن ایران از انزوا صورت نداد. پس از توافق ایران با قدرتهای جهانی و به امضا رسیدن برجام، دولت عربستان سرآسیمه به هر دستاویزی متوسل شد تا از پایان یافتن انزوای ایران جلوگیری کند و در این زمینه از هیچ توطئه‌ای دریغ نورزید.

۵- ارتقای روابط میان دولتی بر پایه عدالت، احترام متقابل و حسن همجواری به‌منظور تضمین صلح، امنیت و هماهنگی جهانی (ماده اول، بند ۶)

یعنی داعش، بوده است. اخراج سوریه از سازمان همکاری اسلامی هم با تحریک و تشویق عربستان و چند کشور کناره جنوبی خلیج فارس صورت گرفت. از دیگر اقدامات بحران‌زا و مرگبار عربستان، حمله به یمن بوده که نه تنها منشور سازمان همکاری اسلامی را بی‌ارزش کرده بلکه در تناقض آشکار با منشور سازمان ملل است. جنگنده‌های عربستان در ششم فروردین ۱۳۹۴ (۲۵ مارس ۲۰۱۵) یورش به یمن را آغاز کردند و سفیر عربستان در آمریکا اعلام کرد که این حمله، به نام «عملیات طوفان قاطع»، با مشارکت ده کشور از جمله پنج کشور عرب کرانه‌ای خلیج فارس صورت می‌گیرد. سخنگوی نیروهای متجاوز به یمن هدف از این حملات را نابودی انصارالله و بازگرداندن حکومت «منصور هادی» در این کشور اعلام کرد؛ کاری که نقض آشکار حاکمیت، استقلال و یکپارچگی سرزمینی یمن بود. موضع سازمان همکاری اسلامی در برابر این رفتار نیز بسیار دور از انتظار بود. بار دیگر نگاهی به بیانیه سران در استانبول بیندازیم تا شدت انحراف و ناکارآمدی سازمان در این زمینه را دریابیم.

تنظیم‌کنندگان این اعلامیه بر همه جنایتها و کشتارهای عربستان و همپیمانانش در یمن چشم بستند و شگفت‌انگیز اینکه از ایران خواستند در امور داخلی یمن دخالت نکند (بند ۳۳)! اوج انحراف سازمان و روشن‌ترین گواه پیروی سازمان از عربستان را می‌توان در بند دیگری از اعلامیه دید؛ آنجا که ضمن «ابراز نگرانی عمیق از اوضاع انسانی در یمن»، از نقش عربستان، امارات و دیگر اعضا در زمینه اعطای کمکهای بشردوستانه ستایش می‌شود. بدین‌سان، نهادی که باید پشتیبان ستمدیدگان و

● تنظیم‌کنندگان اعلامیه پایانی نشست سران کشورهای اسلامی در استانبول، بر همه جنایتها و کشتارهای عربستان و همپیمانانش در یمن چشم بستند و شگفت‌انگیز اینکه از ایران خواستند در امور داخلی یمن دخالت نکند (بند ۳۳)! اوج انحراف سازمان و روشن‌ترین گواه پیروی سازمان از عربستان را می‌توان در بند دیگری از اعلامیه دید؛ آنجا که ضمن «ابراز نگرانی عمیق از اوضاع انسانی در یمن»، از نقش عربستان، امارات و دیگر اعضا در زمینه اعطای کمکهای بشردوستانه ستایش می‌شود. بدین‌سان، نهادی که باید پشتیبان ستمدیدگان و نگهبان جان و مال مردمان مسلمان یمن باشد، از کشتندگان آنان سپاسگزاری می‌کند!

● روحانیون دولتی عربستان پیوسته سرگرم صدور آیین وهابیت به سراسر جهان اسلام و پراکندن بذر کینه و چنددستگی میان مسلمانانند. عربستان را می‌توان مادر تروریسم ایدئولوژیک دانست، جایی که روحانیون تندرو در آن برای جنگ فرقه‌ای و مذهبی فتوا می‌دهند و از نفرت‌پراکنی باکی ندارند. سازمان همکاری اسلامی سالهاست که زیر نفوذ چنین دولتی قرار گرفته است و به‌نظر می‌رسد که نمی‌توان نسبت به بهبود وضع این سازمان دست‌کم در حال و هوای کنونی امیدوار بود.

عرب و شورای همکاری خلیج فارس در پاره‌ای از موارد سازمان را از رسیدن به هدفهای خود بازداشته است. همه اعضای این دو نهاد عضو سازمان همکاری اسلامی نیز هستند. این کشورها در بسیاری از موارد مسائل خود را از مسائل جهان اسلام جدا کرده و به آن رنگ و بوی عربی می‌دهند؛ یعنی به‌جای آنکه مسائل و گرفتاریها را در چارچوب سازمان مطرح و حل‌وفصل کنند، به بررسی آنها در درون نهادهای یادشده می‌پردازند. بی‌گمان با چنین روندی سازمان همکاری اسلامی به حاشیه رانده می‌شود.

با توجه به این موارد می‌توان گفت که:

- ۱- اصلاح منشور و ساختار سازمان همکاری اسلامی و همچنین بازنگری در فرایند تصمیم‌گیری در آن ضرورت دارد و سازمان سخت‌نیزمند نوسازی و رویکردهای معتدل است؛
 - ۲- انجام گرفتن چنین اصلاحاتی در حال حاضر (باتوجه به شرایط موجود) ناممکن به‌نظر می‌رسد؛
 - ۳- سازمان همکاری اسلامی همچنان بعنوان یک ابزار تبلیغاتی در دست عربستان برای ایجاد اتحاد و ائتلاف در برابر ایران کاربرد دارد.
- همچنین باید این نکته را نیز افزود که حضور ایران در سطوح بالا در نشستهای سازمان، در عمل به افزایش مشروعیت سازمان می‌انجامد، زیرا ایران تنها کشوری است که در بالاترین سطح نماینده دائم نزد سازمان فرستاده است، ولی در بسیاری از موارد نمایندگان کشورمان برای شرکت در نشستهای سازمان در جده با مشکل صدور روادید از سوی کشور میزبان روبه‌رو شده‌اند. ایران چهارمین کشور اصلی پرداخت‌کننده بودجه سازمان است؛ با وجود این، کشورمان میزبان دبیرخانه هیچ‌یک از کمیته‌های دائم یا بخشهای مهم و اثرگذار سازمان نیست. هرچند ایران کمابیش پیوسته در برخی کمیته‌های

و تحکیم همکاری میان دولتهای عضو در زمینه‌های اقتصادی و بازرگانی برای دستیابی به همگرایی اقتصادی و هدایت به سمت ایجاد بازار مشترک اسلامی (ماده یکم، بند ۹)؛

در ۱۲ دی ۱۳۹۴ گروهی در اعتراض به اعدام یک روحانی برجسته شیعه در عربستان، به سفارت آن کشور در تهران حمله کردند و خسارتهایی به آن زدند. هرچند دولت بی‌درنگ این حمله را محکوم و اعلام کرد که با خاطیان برخورد قضایی و از همه اماکن دیپلماتیک حمایت خواهد شد، ولی فردای آن روز عربستان اعلام کرد که روابط دیپلماتیک خود با ایران را قطع می‌کند و به دیپلماتهای ایرانی ۴۸ ساعت مهلت داد تا از آن کشور بروند. یک روز پس از اعلام قطع رابطه، عادل الجبیر، وزیر امور خارجه عربستان گفت که این قطع رابطه شامل پایان یافتن همه مناسبات بازرگانی و نیز لغو پروازها میان دو کشور می‌شود. عربستان به این کار بسنده نکرد و کشورهای دیگر را نیز به قطع رابطه با ایران تحریک نمود. دولتهای بحرین، سودان و جیبوتی روابط سیاسی خود با ایران را قطع کردند و امارات سطح روابط را کاهش داد.

۶- نشر، ترویج و محافظت از تعالیم و ارزشهای اسلامی بر پایه اعتدال و تسامح، ارتقای فرهنگ و حراست از میراث اسلامی (ماده یکم، بند ۱۱)؛ حمایت و دفاع از تصویر واقعی اسلام، مبارزه با اتهاماتی که به اسلام وارد می‌شود و تشویق گفت‌وگو میان تمدنها و مذاهب (ماده یکم، بند ۱۲)؛ همکاری در مبارزه با تروریسم در همه اشکال، جرایم سازماندهی شده، قاچاق مواد مخدر، فساد، پولشویی و قاچاق انسان (ماده یکم، بند ۱۸)؛ از دیگر هدفهای سازمان همکاری اسلامی برشمرده شده است.

روحانیون دولتی عربستان پیوسته سرگرم صدور آیین وهابیت به سراسر جهان اسلام و پراکندن بذر کینه و چنددستگی میان مسلمانانند. عربستان را می‌توان مادر تروریسم ایدئولوژیک دانست، جایی که روحانیون تندرو در آن برای جنگ فرقه‌ای و مذهبی فتوا می‌دهند و از نفرت‌پراکنی باکی ندارند. سازمان همکاریهای اسلامی سالهاست که زیر نفوذ چنین دولتی قرار گرفته است و به‌نظر می‌رسد که نمی‌توان نسبت به بهبود وضع این سازمان دست‌کم در حال و هوای کنونی امیدوار بود.

افزایش ناکارآمدی سازمان

گذشته از آنچه گفته شد، می‌توان دلایل دیگری نیز برای ناکارآمدی سازمان همکاریهای اسلامی برشمرد. برای نمونه، وجود نهادهایی مانند اتحادیه

همکاریهای اسلامی به سود ایران است؛ ولی حضور پویا در سطوح کارشناسی در نشستهای سازمان باید ادامه یابد.

۲- یافتن یک نهاد رقیب برای سازمان همکاری اسلامی؛

پس از پایان یافتن دوره دبیرکلی احسان اغلو، دبیرکل ترک OIC، و درگیر شدن ترکیه در بحران سوریه و همچنین در پی کودتای مصر و دستگیری و محاکمه محمد مرسی، از نفوذ ترکیه در سازمان همکاری اسلامی به گونه چشمگیر کاسته شد.

همچنین به نظر می رسد که پس از کودتای نافرجام در ترکیه، از نقش منطقه‌ای این کشور کاسته شده است. در سالهای گذشته، بویژه در دوران زمامداری حزب عدالت و توسعه، بسیاری از اعراب به ترکیه بعنوان نیرویی قابل اتکا برای ایجاد موازنه با ایران در منطقه و جهان اسلام می‌نگریستند و ارتش ترکیه به نیابت از عربستان و چند کشور عربی دیگر از نیروهای معارض سوری پشتیبانی می‌کرد. اما ضربه کودتای نظامی در ترکیه این حساب را ترکاند. نشانه‌ها گویای این است که این نقش ترکیه در حال رنگ باختن است. اگر ترکیه به سیاستی که تنها چند روز پیش از کودتا اعلام کرد همچنان پایبند باشد، می‌توان گفت که همراهی ضمنی آن کشور با عربستان در بحران سوریه بویژه بر سر برکناری بشار اسد از قدرت، در آینده نزدیک پایان خواهد یافت.

موضع‌گیری روشن ایران در محکوم کردن کودتا و پشتیبانی از دولت قانونی ترکیه، اقدامی هوشمندانه بود که می‌تواند آغازگر دوران تازه‌ای در روابط دو کشور در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی باشد. با توجه به ناهمخوانی منافع و مواضع ایران و ترکیه در برخی زمینه‌ها، وجود چارچوبی مناسب یا نهادی بیطرف برای سامان دادن روابط و نزدیکتر کردن منافع دو کشور بایسته می‌نماید. شاید سازمان همکاریهای اقتصادی (اکو) بتواند نقشی برجسته در این زمینه بازی کند.

اکو بزرگترین سازمان اقتصادی در جهان اسلام است و کمابیش ۴۴۰ میلیون تن یا یک چهارم از مسلمانان جهان را دربرمی‌گیرد.^{۱۳} اگر عربستان، سازمان همکاری اسلامی را به تریبون اختصاصی خود برای حمله به ایران تبدیل کرده است و در اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس یکه‌تازی می‌کند و اعراب را بر ایران می‌شوراند، ایران نیز می‌تواند از دیگر نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی، سنجیده و به‌درستی بهره‌برداری کند.

به سخن دیگر، تقویت سازمان همکاری اسلامی در اوضاع کنونی به سود ما نیست؛ زیرا ساختار این

• وجود نهادهایی مانند اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس در پاره‌ای از موارد سازمان را از رسیدن به هدفهای خود بازداشته است. همه اعضای این دو نهاد عضو سازمان همکاری اسلامی نیز هستند. این کشورها در بسیاری از موارد مسائل خود را از مسائل جهان اسلام جدا کرده و به آن رنگ و بوی عربی می‌دهند؛ یعنی به جای آنکه مسائل و گرفتاریها را در چارچوب سازمان مطرح و حل و فصل کنند، به بررسی آنها در درون نهادهای یادشده می‌پردازند. بی‌گمان با چنین روندی سازمان همکاری اسلامی به حاشیه رانده می‌شود.

دائم اقتصادی سازمان، مانند کومسک، عضو بوده است، اما به نظر نمی‌رسد که بهره ملموسی از این عضویت برده باشد. رفتارهای جانبدارانه و دور از آداب بین‌المللی، به دبیرخانه و دبیرکل سازمان محدود نمی‌شود؛ ارگانهای فرعی سازمان نیز از تبلیغات منفی در مورد ایران و حمله به آن پروا ندارند. برای نمونه، مدیرکل مرکز اسلامی توسعه تجارت (ICDT)، از ارگانهای فرعی سازمان همکاری اسلامی که مقر آن در کازابلانکای مراکش است، چند بار در سالهای ۱۳۹۲-۱۳۹۳ بر ضد کشورمان بیانیه صادر کرد!

بدین‌سان، این پرسش دوباره پیش می‌آید که امروزه جایگاه سازمان همکاری اسلامی در سیاست خارجی ما چیست؟ عضویت در این سازمان چه دستاوردهایی برای کشورمان دارد؟ مناسبات ایران با این سازمان چگونه باید باشد؟

راهکار پیشنهادی

در پاسخ به این پرسشها، و با در نظر گرفتن دشواریهای یادشده، دو راهکار پیشنهاد می‌شود که از دید نگارنده پیگیری آنها در کنار هم، وضع را تا اندازه‌ای به نفع ایران تغییر خواهد داد:

۱- کاهش سطح نمایندگانی که به نشستهای سازمان فرستاده می‌شوند و بی‌اعتنایی به نشستها. چنان‌که پیشتر گفته شد، حضور ایران در سطوح بالا در نشستهای سازمان به افزایش اعتبار آن و در عمل به تقویت جبهه رقیب می‌انجامد. از سوی دیگر، نشست سران در استانبول نشان داد که طرف مقابل به آداب بین‌المللی پایبند نیست و شرکت در سطوح بالا مانع از تصویب قطعنامه‌های ضد ایرانی نمی‌شود. پس در کوتاه مدت کاهش اعتبار سازمان

یادداشتها

۱. برگرفته از وبسایت سازمان همکاری اسلامی به آدرس: <http://www.oic-oci.org>
2. Final Communiqué of the 13th Islamic Summit Conference, Istanbul, Republic of Turkey, 14-15 April 2016
۳. سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۸۱/۳/۱۴
۴. بند ۳۳ اعلامیه
۵. بند ۳۰ اعلامیه
۶. بند ۳۱ اعلامیه
۷. بند ۳۲ اعلامیه
۸. خبرگزاری مهر به نقل از سخنگوی وزارت امور خارجه، (۱۷ خرداد ۱۳۹۵)
9. Resolution No. 18/11-p, American aggression against the Islamic of Iran
۱۰. به نقل از سایت خبری العالم <http://fa.alalam.ir/news/1690646>
۱۱. خبرگزاری ایسنا (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۵)
۱۲. منشور OIC نخستین بار در ۱۹۷۲ به تصویب اعضا رسید. پس از آن چند بار در آن بازنگری شد که واپسین بار در ۲۰۰۸ بود.
۱۳. بر پایه آمار صندوق جمعیت ملل متحد در ۲۰۱۵

منابع

- Charter of the Organization of Islamic Cooperation
- Final Communiqué of the 13th Islamic Summit Conference, Istanbul, Republic of Turkey, 14-15 April 2016
- OIC Resolution No. 18/11-p, American aggression against the Islamic Republic of Iran
- UNFPA Annual Report 2015: <http://www.unfpa.org/annual-report>
- <http://fa.alalam.ir/news/1690646>
- <http://www.mehnews.com/>
- <http://www.isna.ir/>
- <http://www.oic-oci.org/>

● تقویت سازمان همکاری اسلامی در اوضاع کنونی به سود ما نیست؛ زیرا ساختار این سازمان به گونه‌ای است که در فضای کنونی، ایران نخواهد توانست آنرا از زیر سیطره و نفوذ عربستان بیرون آورد. اما ایران در اکو از جایگاهی ویژه برخوردار است و این امکان وجود دارد که بتواند بیشتر کشورهای عضو را در برخی زمینه‌ها با خود همراه کند. همه اعضای اکو از کشورهای اسلامی غیرعرب هستند و همین، سدی طبیعی در برابر نفوذ و تخریب احتمالی عربستان شمرده می‌شود.

سازمان به گونه‌ای است که در فضای کنونی، ایران نخواهد توانست آنرا از زیر سیطره و نفوذ عربستان بیرون آورد. اما ایران در اکو از جایگاهی ویژه برخوردار است و این امکان وجود دارد که بتواند بیشتر کشورهای عضو را در برخی زمینه‌ها با خود همراه کند. همه اعضای اکو از کشورهای اسلامی غیرعرب هستند و همین، سدی طبیعی در برابر نفوذ و تخریب احتمالی عربستان شمرده می‌شود. کمابیش همه این کشورها در گستره جغرافیایی فرهنگ ایرانی - اسلامی قرار دارند و تأکید بر وجوه مشترک فرهنگی به نزدیکی بیشتر آنها و تقویت اکو می‌انجامد. هرچند شاید حضور پاکستان بزرگترین مشکل در درون این سازمان باشد اما چه بسا تضمین منافع اقتصادی در چارچوب اکو بتواند آن کشور را نیز رفته‌رفته از حوزه نفوذ عربستان بیرون آورد. باید زمینه‌های همکاری را هرچه زودتر شناسایی و با پرهیز از پرداختن به موضوعات حساسیت‌زا، همکاریها را آغاز کرد.

برای نمونه، بسیاری از کشورهای منطقه، از جمله هند، ایران را دروازه ورود به افغانستان و راهگشای فعالیتهای اقتصادی در آن کشور می‌دانند و همین می‌تواند عامل افزایش فعالیت در چارچوب اکو شود؛ یعنی ایران بعنوان محور همکاری در زمینه توسعه افغانستان در چارچوب اکو فعالیت کند.

بی‌گمان ظرفیت‌سازی در سازمان و اجرای طرحهای زودبازده در چارچوب اکو، کشورهای منطقه را به افزایش همکاریها در این چارچوب ترغیب خواهد کرد و بدین‌سان زمینه‌ای فراهم خواهد آمد که بسیاری از نیرنگهای عربستان برای منزوی کردن ایران در جهان اسلام، نقش بر آب شود.

این رویکرد می‌تواند راه نجاتی برای سازمان همکاری اسلامی نیز باشد؛ زیرا موفقیت ایران در اکو به تقویت جایگاه کشورمان در سازمان همکاری اسلامی خواهد انجامید و رفته‌رفته می‌توان در برابر جبهه عربی به سرکردگی عربستان، جبهه اکو را برجسته ساخت و فضای تصمیم‌گیری در سازمان را متعادلتر و منطقی‌تر کرد.

نکته درخور توجه در دوره کنونی این است که توافق ایران با قدرتهای جهانی در زمینه هسته‌ای و امضای برجام، بزرگترین مانع در راه همکاریهای منطقه‌ای و بین‌المللی با ایران، یعنی تحریمهای بین‌المللی را از میان برداشته است و همین می‌تواند سرعت همکاری در چارچوب اکو را افزایش دهد. اکو می‌تواند دروازه ورود ایران به دیگر نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی مانند سازمان همکاری شانگهای نیز باشد.